

رازگشایی

رازگشایی سارق مسلح از قتل ۲ راننده

● شرق: مردی که دو راننده را به قتل رسانده و خودروهای آنان را سرقت کرده بود، به جرائم خود اعتراف کرد و پلیس اکنون در تلاش است تا جسد یکی از مقتولان را پیدا کند. مأموران پلیس راسک چند روز پیش از ناپدیدشدن راننده یک خودروی سمند و همچنین مفقودشدن راننده یک نیسان مطلع شدند و تحقیقات در این رابطه آغاز شد. آنها جسد راننده نیسان را در حالی که با شلیک گلوله به قتل رسیده بود، در منطقه‌ای بیابانی یافتند. این در حالی بود که نیسان به سرقت رفته بود.

این خودرو بنا بر اطلاعاتی که پلیس به دست آورد، سوخت کافی نداشت؛ به همین دلیل دوربین‌های مداربسته مسیرهای تردد احتمالی نیسان را بررسی کردند و در این مرحله مشخص شد قاتل بعد از دزدیدن نیسان برای سوخت‌گیری به یک پمپ بنزین رفته است. این‌گونه بود که اولین سرنخ به دست آمد و پیگیری آن به افشای هویت متهم منجر و مشخص شد او ساکن شهرستان راسک استان سیستان و بلوچستان است.



کارآگاهان در ادامه شواهدی را به دست آوردند که نشان می‌داد خودروی سمند را نیز همین فرد سرقت کرده و احتمالاً او راننده این اتومبیل را نیز به قتل رسانده است. در ادامه معلوم شد متهم خودروی سمند را بعد از سرقت، به فروش رسانده اما نیسان همچنان در اختیار خودش است و با آن سوخت قاچاق می‌کند.

تیمی از مأموران پلیس هرمزگان راهی شهرستان راسک شدند و توانستند محل اختفای متهم و همچنین مسیرهای تردد او را شناسایی کنند. بعد از آن بود که متهم در عملیاتی ضربتی غافلگیر و دستگیر شد.

متهم وقتی تحت بازجویی قرار گرفت، به قتل هر دو راننده اقرار کرد و گفت: خودروی سمند را به صورت درستی کرایه کردم و بعد از کشاندن راننده به مکانی خلوت، او را با شلیک سلاح کلت کمری که از قبل تهیه کرده بودم، به قتل رساندم. بعد خودروی او را سرقت کردم و فروختم. راننده نیسان را نیز به همین روش به دام انداختم و بعد از درست‌تکرتفن خودروی این مرد، او را نیز در محلی خارج از شهر به قتل رساندم و جسد را در بیابان رها کردم.

مأموران در گام بعدی به محلی رفتند که متهم ادعا کرده بود جسد مقتول اول را در آنجا رها کرده است، اما به دلیل بارش‌ها و سیلاب در آن منطقه، اثری از جسد پیدا نشد و در حال حاضر تحقیقات در این زمینه ادامه دارد. این در حالی است که متهم در بازداشت به سر می‌برد و پرونده او بعد از تکمیل تحقیقات مقدماتی در اختیار قضات دادگاه کیفری استان هرمزگان قرار می‌گیرد.

حادثه‌ها

ادامه از صفحه اول

قتل بر اثر خشم آنی با انتقام شخصی یا حسادت عاشقانه و شبه‌عاشقانه با اتفاقی ناخواسته در حین نزاع، دعوا و خصومت خانوادگی و خویشاوند، اختلالات روانی و اوقات قتل ناشی از عمل یک مجرم حرفه‌ای است. گاهی اوقات قتل در زمان ارتکاب یک جرم دیگر مانند سرقت رخ می‌دهد. هریک از این قتل‌ها تحلیل خاص خود را از جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی کیفری دارند. برای شناخت عمیق علل و عوامل اجتماعی و روانی قتل‌ها، باید هریک از آنها را جداگانه و به‌عنوان یک مقوله مستقل تحلیل کرد تا بتوان برای هر دسته از آنها و متناسب با خصوصیات مختلف‌شان سیاست‌های مبارزه با بزه و پیشگیری از آن را تهیه و اجرا کرد. باید غفلت نکنیم از اینکه برای مبارزه با هر بزه، ابتدا باید ساختار اجتماعی و روانی آن شناخته شود، شرایط تولید آن جرم شناسایی شود و خصوصیاتش به دقت فهم شود. بعد از آن است که می‌توان با ترکیب کارشناسانه‌ای از تغییرات اجتماعی، اقتصادی، قانونی، پلیسی و قضائی روش‌های مقابله و پیشگیری را طراحی و عملی کرد.

قتل ناموسی به‌عنوان واکنش فردی

قتل‌های موسوم به قتل ناموسی نیز از نظر جرم‌شناسی یکی از انواع قتل‌هاست، اما این نوع قتل نیز انواع بسیار متفاوتی دارد که ممکن است در قشرهای بسیار متنوع اجتماعی رخ دهد. مثلاً برخلاف تصور عمومی، قتل‌های ناموسی صرفاً در میان اقشار حاشیه‌ای یا سنتی رخ نمی‌دهد؛ کم نیستند پرونده‌های قتلی که در شمار قتل‌های ناموسی قابل طبقه‌بندی‌اند، اما در افشار متوسط یا حتی اقشار بالای متمول و مدرن رخ داده‌اند. معمولاً در قتل ناموسی، یک نفر مانند شوهر یا دربارۀ زنان مجرد پدر یا برادر، برای دفاع از آنچه در عرف به‌عنوان غیرت و ناموس گفته می‌شود یا برای جبران سرکوب عاطفی و روانی خود، زن را قربانی کرده و دست به جنایت می‌زند. در این نوع قتل‌های ناموسی، معمولاً برقراری رابطه کامل با مرد بیکانه، موجب برانگیختگی مرد برای اقدام به قتل می‌شود. اغلب قتل‌های ناموسی ناشی از یک واکنش فردی‌اند. قاتل در یک تصمیم شخصی برای دفاع از چیزی به نام ناموس خود یا بر اثر خشم آنی یا تحت تأثیر فشارهای روانی علیه جان زن که ممکن است مادر یا خواهر یا همسر او باشد، عمل می‌کند. جامعه با آن همراهی و موافقت ندارد و عمل او را ضد ارزش تلقی می‌کند. ولی دم شکایت می‌کند و اختلاف فرد به مجازات می‌رسد.

قتل ناموسی به‌عنوان واکنش جمعی

نوع خاصی از قتل ناموسی نیز وجود دارد که محصول واکنش اجتماعی است. در این نوع، جامعه زن را مستحق مرگ می‌داند و قاتل که خود نیز به‌عنوان عضوی از آن جامعه با همان نگاه به زن می‌نگرد، شبیه یک مأمور اجرا عمل می‌کند؛ مأموری که خود نیز حکم قتل را صادر کرده است. در ماجرای جدید قتل زن ۱۷ساله و جنایت‌گردانی در اهواز، از قاتل اطلاعات شخصی زیادی در دست نداریم. دانشته‌های ما در این حد است که او جوانی است حدود ده تا ۲۰ زندگی، در بازار اهواز کار می‌کند و سابقه‌ای از شرارت از او نقل شده است. در نوجوانی با دختری ۱۲ساله از طایفه خود ازدواج کرده است. یک فرزند پسر حاصل این ازدواج است. این فرد اگرچه مرتکب قتلی فجیع و رفتاری هولناک شده است و پس از ارتکاب قتل به دست گرفتن سر مقتول، جنایت‌گردانی کرده، ولی اطلاعات اولیه حاکی از آن است که با فردی ذاتاً ششور و یک مجرم حرفه‌ای روبه‌رو نیستیم. در منطقه وقوع این قتل، در برخی گروه‌های اجتماعی و قومی، خصوصاً در نظامات عشیره‌ای که به نظر

حوادث

قتل از اعماق (۲)

می‌رسد متهم از همان گروه‌ها باشد، سنت‌های دیرینی وجود دارند که به‌عنوان ارزش‌های بنیادین به‌سختی نگهبانی شده و گروه اجتماعی موظف به رعایت آن است. سنت‌هایی که برخی از آنها با قوانین موجود و نظام ارزشی ما کاملاً ناساز و معارض‌اند. گروه اجتماعی با اصرار تمام بر اجرای این سنت‌ها تاکید دارد و کسانی که آنها را رعایت نکنند با شماتت و طرد و انگشت‌نماشدن و امثال اینها روبه‌رو می‌شوند، زیرا آنها مهم‌ترین قواعد زندگی جمعی در طایفه خود را زیر پا گذاشته‌اند. در نظامات قبایلی و طایفگی طرد و انگشت‌نماشدن حکم کیفرهایی خردکننده دارند و کمتر کسی را برای گریز از آنهاست. کسانی که به این سنت‌ها عمل می‌کنند تحسین شده و مورد حمایت جمعی قرار می‌گیرند. حتی اگر این عرف و سنت خلاف قوانین کشور باشد، باز هم گروه اجتماعی بر آنها اصرار داشته و چنانچه از نظر عاطفی هم آن واقعه ناراحتشان کند، اجرای آنها را می‌طلبند؛ اما گویی قانون نانوشته‌ای در هیئت روحی با سایه‌ای سیاه بر همگان حکم می‌راند و نمی‌گذارد در میان مردمان درست‌نکار زندگی جریان سالم خود را ادامه دهد. دسته‌ای از سخت‌ترین و مهم‌ترین این سنت‌ها مربوط به مسائل جنسیتی و معیارها و الگوهای اخلاقی و رفتاری جنسی است که راجع به زنان است. بر رفتارهای جنسیتی و جنسی زن معیارهای مهمی حاکم است که تخلف از برخی از آنها برابر است با شایستگی قتل زن. زنی که از این معیارها با فراتر بگذارد شایسته مرگ است. فقط مرد آن زن، مثل شوهر یا پدر یا برادر نیست که میل به قتل می‌کند و خود را مکلف به اجرای این مجازات می‌داند، بلکه گروه اجتماعی نیز تحت تأثیر همان قانون نانوشته روح تیره، چنین قتلی را به‌عنوان عمل به یک ارزش اثر انگیزه‌های متداولی مانند اختلال روانی، خشم آنسی، انتقام و مانند اینها رخ نمی‌دهد. بلکه ارتکاب قتل تکلیف و وظیفه‌ای است که نظام ارزشی حاکم بر آن گروه اجتماعی برعهده بستگان نزدیک زن گذاشته است. در این نوع گروه‌های اجتماعی زن فقط «ناموس» همسر یا پدر یا مادر نیست. او «ناموس» تمام طایفه است و اگر از نگاه آنها خطایی مرتکب شد، فقط مربوط به خانواده مستقیم او نیست، بلکه به کل واحدی به نام طایفه مربوط می‌شود. چنین قتلی فولک یا یک سنت ساده نیست، بلکه یک نهاد مهم و عرفی خشونت‌بار و دارای ریشه‌های عمیق تاریخی با ماهیتی الزام‌آور است. در چنین جنایت‌هایی قاتل یا قاتلانی که زن را کشته‌اند و چهبسا بستگان نزدیک مقتول، که ممکن است پیشاپیش رضایت به قتل داده باشند، شاید که اندوه مرگ عزیزِی را درون خود داشته باشند اما کم‌وبیش خود را متفکر می‌یابند، زیرا به یک ارزش و هنجار بزرگ و سخت عمل کرده‌اند و آن شبکه اجتماعی نیز کم‌وبیش او را میرا می‌داند و حتی تحسین می‌کند.

همراهی طایفگی

این‌گونه است که این نوع قتل‌ها، اغلب از حمایت اجتماعی نیز بهره می‌برند. جامعه از جنایت و قاتل و بستگانی که به قتل رضایت داده‌اند کم یا زیاد حمایت می‌کند. ممکن است کسانی باشند که در همان گروه اجتماعی با چنین سنتی سخت مخالف باشند یا لاقلاً موافقت نداشته باشند اما گرایش غالب بر آن اصرار دارد. این حمایت گاه تا آنجا پیش می‌رود که خیلی اوقات جنایت را پنهان می‌کنند یا اگر جنایت افشا شد، اولیای‌دم به مراجع رسمی مانند دادسرا و نیروی انتظامی شکایت نمی‌کنند و اگر هم به دلایلی مانند حفظ ظاهر شکایت شود، احتمال اعلام رضایت زیاد است. طبق گزارشی که در رسانه‌ها منتشر شد، براساس پژوهش انجمن زنان ریحانه اهواز، از سال ۱۲– ایمنی و آرامش– آن سوی سقف– از ضمائر مشرک فارسی ۱۳– فیلمی ساخته ابراهیم حاتمی‌کیا با بازی درخشان علی نصیریان ۱۴– عقیده– هجوم– آبدادن به کشتزار ۱۵– صد سال– فیلمی ساخته رسول ملاقلی‌پور– تایر خودرو

۱۳۹۸ تا تابستان ۱۴۰۰، حدود ۶۰ زن در خوزستان به دلایل متنسب به ناموس کشته شده‌اند. اطلاعات همین پژوهش نشان می‌دهد از این ۶۰ مورد، حتی یک فرد مجرم با همان قاتل، مجازات نشده است و حتی خانواده‌ها از آنها شکایتی نکرده‌اند. رئیس پلیس آگاهی خوزستان در مصاحبه‌ای در سال ۱۳۸۷ گفت ۴۰ درصد از قتل‌هایی که در خوزستان اتفاق می‌افتند، قتل‌های ناموسی‌اند. گزارش شده است که در فاصله سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ تعداد ۱۴۰ نفر به اتهام قتل ناموسی در خوزستان پرونده کیفری داشته و در بازداشت به سر می‌برند. در نگاه آماری باید به این موضوع توجه کرد که تعداد احتمالاً قابل توجهی از قتل‌های ناموسی در خوزستان اصولاً گزارش نشده و در آمارها منعکس نمی‌شوند. در این موارد قاتل با همراهی خانواده و برخی اعضای شبکه خویشاوندی و احتمالاً بزرگان قوم، با اعلام مفقودی یا سروشانی جنایت آن را پنهان می‌کنند. از نسکات قابل توجه این است که با وجود آمار قابل توجه این نوع قتل در خوزستان، تا آنجا که بررسی‌ها نشان می‌دهد، موردی از قصاص قاتل ناموسی در این منطقه گزارش نشده است. می‌دانیم وقتی قاتل مرد و مقتول زن است، اولیای‌دم باید برای قصاص نصف دیه کامل را بدوا به قاتل بپردازند و سپس قصاص کنند. این فرض که در تمام قتل‌های ناموسی این منطقه همه اولیای‌دم در همه پرونده‌ها، که احتمالاً در ۲۰، ۳۰ سال گذشته تعداد پرشماری باشند، از پرداخت دیه ناتوان بودند. احتمال قوی‌تر آن است که آنان به دلایل دیگری رضایت داده‌اند. برخی گزارش‌های تحقیقی حاکی از آن است که در پرونده‌هایی از همین قتل‌ها، بزرگان طایفه در چارچوب سنتی که به آن «عونه» می‌گویند که به معنای یاری و همیاری است، پیش‌قدم شده و دیه مقتوله را با مشارکت مکانی جمع‌آوری کرده و پرداخت کرده‌اند و قاتل از قصاص مصون مانده است. این‌نوع مواجهه جمعی با چنین قتلی در واقع بیانگر یک دفاع جمعی از چنین قتل‌هایی است. معمولاً در اغلب جوامع قتل عملی قبیح و نادرست و در تضاد با ارزش‌های عمومی است که از نظر اخلاقی بسیار مذمت می‌شود.

مکتب دفاع اجتماعی واکنش جمعی در برابر بزه را از عوامل بازدارنده می‌داند. اما در این سنت حرکت، واکنش جمعی در مسیر حمایت از چیزی انجام می‌کند که از نگاه قانون و نظر عام در سطح کشوری بزه و هنجار است و در ظرف آن‌شان بهنجار تلقی می‌شود. در نگاه ایشان این نوع خاص از عمل مجرمانه و غیراخلاقی قتل، قاتل مرتکب رفتاری منطق یا ارزش‌های حاکم شده و مستحق حمایت است. اینجا ما با یک گروه جنایت‌پیشه و مجرم حرفه‌ای روبه‌رو نیستیم که پیشه آنها جنایت و قتل و غارت است و عمدتاً با سیاست‌ها و روش‌های پلیسی باید با آنها برخورد کرد. بلکه با یک گروه اجتماعی مواجهیم که مانند دیگر مردمان راه و زندگی و کسب‌وکار درست‌کارانه و شرافتمندانه خود را دارند.

مانند دیگران به مدرسه و دانشگاه می‌روند. کشاورز یا پیشه‌ور به کارمند یا تاجر و مانند اینها هستند. برخی‌شان فقیرند و برخی غنی. اما یک باور عمومی تیره و غیرانسانی که در طول زمان‌های دراز در میان ایشان ریشه‌ای عمیق دوانده مولد چنین جنایت‌هایی می‌شود. سخن از سنتی است که چون روحی تاریک بر برخی گروه‌های اجتماعی خیمه زده است و قتل زنی را که از معیارهای شدیداً سختگیرانه حاکم یا فراتر می‌گذارد یک ارزش الزام‌آور و یک تکلیف ناگزیر برای حفظ شرافت قوم و حفظ خلوص و پاکی خون و شرف قبیله تلقی می‌کند. این سنت جنایی چنان قدرتی دارد که شاید برای اغلب افراد عضو چنین گروه‌های اجتماعی اجرای آن رضایت‌بخش باشد. چنان‌که گاه

هیچ‌کس قتل چنان زنی را گزارش نمی‌دهد، پیگیری نمی‌کند، شکایت نمی‌کند، پس از مرگش آداب سوگ برگزار نمی‌کنند و حتی آن را پنهان نیز می‌کنند.

تنگ عمومی را بشوی

در گفت‌وگو با یکی از آگاهان محلی با مفهوم دیگری آشنا شدم به نام «عَسَل عار» که عمق اجتماعی و خصلت اختصاصی این نوع از قتل ناموسی را آشکارتر می‌کند. در این منطقه وقتی زن از معیارهای سختگیرانه حاکم بر رفتار جنسیتی یا جنسی زنان تخلف می‌کند مستحق مرگ است. اگر رفتار زن برای همگان آشکار نشده باشد و فقط نزدیکان معدودی مطلع شده باشند، قتل او را قتل ناموس یا قتل شرف یا نهوه‌کردن می‌نامند. این قتل معمولاً بی‌سرورصد انجام می‌شود. همه چیز پنهانی اتفاق می‌افتد و حتی دستگاه‌های مبارزه با بزه نیز شاید از آن آگاه نشوند. اما مواردی وجود دارد که رفتار زن در دهان‌ها می‌افتد و خربش شایع می‌شود. این خبر گویی‌ک که تنگی را به دامن مرد آن زن (پدر و برادر و همسر)، خویشاوندان و طایفه می‌نشانند. تنگ بیش از همه متوجه همسر است. در این موارد همان‌طور که خبر زن شایع شده است، خبر قتل او هم باید همه‌گیر شود. این نوع قتل را «عَسَل عار» می‌گویند. (غسل به فتح عین) یعنی شستن. قاتل با کشتن زنی که از معیارهای مورد باور طایفه عبور کرده است و خربش پیچیده، با علنی‌کردن مغرورانه قتل علار و تنگ را از دامن خود و خانواده و طایفه می‌شوید. با این شرایط آنچه بر عرف این قبیل گروه‌های اجتماعی حاکم است مجازاتی برای قاتلان در نظر نمی‌گیرد. چه‌سا که قاتلان در چنین جماعتی افرادی مفتخر باشند که بزرگ‌ترین و مهم‌ترین ارزش‌های حاکم بر خودشان را به اجرا گذاشته‌اند. قدرت این باور در میان بخش‌هایی از مردمان این مناطق به اندازه‌ای است که شیوخ و بزرگان ایشان نیز که گاه موافق چنین رفتاری نیستند، توان مخالفت با آن را ندارند. در نظامات عشایری توقع عمومی از رئیس و شیخ و بزرگ این است که از عناصر هویتی موجود از جمله سنت‌های مهم‌تر دفاع کند. تخطی از این توقع منرّت و حرمت او را چه‌بسا مخدوش کند.

قتل به مثابه یک نهاد

قتل اصولاً به‌عنوان خشن‌ترین جرم یک پدیده است. جرمی است که به شکل‌ها و انگیزه‌های مختلف در اقشار گوناگون جامعه رخ می‌دهد. گاهی بحران‌های مرکب اجتماعی با ضعف سازمان‌های مبارزه با بزه باعث افزایش آمار قتل می‌شود. قتل عملی ناهنجار و غیرقانونی است و انجام آن به منزله نقض بنیادی‌ترین هنجارها و ارزش‌ها و قوانینی است که از جامعه ملی و نظم عمومی نگهبانی می‌کند. حتی قتل‌های ناموسی نیز مشمول همین تحلیل‌اند. مبارزه با این نوع قتل‌ها و پیشگیری از آنها تقریباً آسان است و با همراهی و مشارکت جامعه قابل پیشرفت است. اما یک الگوی خاص از قتل‌های ناموسی وجود دارند که دیگر فقط پدیده‌ای استثنائی نیستند، بلکه یک نهاد اجتماعی‌اند. نهادی با تعریف مشخص، شیوه عمل معین که به شکلدی استوار در جامعه مقبول است و سنت‌های متعددی آن را نظام‌مند می‌کند. جامعه، به غلط، آن را می‌پسندد و آن را تکلیف می‌کند. در اینجا سیاست جنایی برای مقابله به منزله مبارزه با گروه جنایتکاران حرفه‌ای برای مقابله با پدیده‌ای مجرمانه و ضد جامعه نیست. بلکه باید با نهادی مبارزه شود که در تضاد کامل با نظام قانونی و ارزش‌های عمومی است. حقوق زنان، آدم‌های جامعه به آن باور دارند و آن را عرفی قطعی در جهت حفظ شرافت و پاکی خود تلقی می‌کنند. باید با قتل به‌عنوان یک نهاد مبارزه کرد. چگونه؟ مقاله آخر در روزهای آینده منتشر خواهد شد.

رخداد

جزئیات آتش‌سوزی بزرگ در بازار تهران

● شرق: بازار تهران نالیم است. این جمله‌ای است که با آتش‌سوزی دیروز بار دیگر تکرار شد. حریق این‌بار در ساعتی رخ داد که مغازه‌ها تعطیل بودند اما همان‌طور که سخنگوی آتش‌نشانی تهران گفته اگر این حادثه در میانه روز رخ می‌داد می‌توانست حوادث تلخی را رقم بزند.

آتش‌سوزی از ساعت ۷:۳۸ صبح دیروز در یک تیمچه در بازار تهران آغاز شد؛ حریقی گسترده که آتش‌نشانان شش ایستگاه برای مهار آن به تکاپو افتادند. تاکنون حوادث بسیاری در بازار تهران رخ داده و آتش‌نشانان و کارشناسان ایمنی نیز در این باره هشدار داده‌اند. بافت فرسوده بازار، تنگی کوچه‌ها به گونه‌ای که امکان عبور خودروهای آتش‌نشانی و آمبولانس وجود ندارد، انبارکران غیراصولی کالاها و… از جمله مواردی است که باعث می‌شود این منطقه پرتردد همیشه در معرض خطر باشد. بازار تهران با وسعت ۱۱۲ هکتار به همراه انبارهای اطراف خود، ممکن است مساحتی حدود ۴۰۰ هکتار را در بر گیرد، به‌همین‌دلیل باید از استانداردهای ایمنی بالایی برخوردار باشد درحالی‌که این موضوع همیشه در حد حرف و شعار باقی مانده و کمتر اقدام مؤثری در این زمینه صورت گرفته است.

آتش‌نشانان شش ایستگاه صبح دیروز وقتی رهسپار محل حادثه شدند شعله‌های سرکش را در تیمچه حاج‌الدوله مشاهده کردند. این تیمچه یکی از سراهای قدیمی بازار بزرگ تهران است که دو طبقه است و جنب بازار کفاش‌ها قرار دارد. به گفته رسول شجری، رئیس اتحادیه کفاشان دست‌دوز تهران از آنجا که این بازار از دیرباز به بازار کفاش‌ها معروف بوده است اعلام شد که آتش‌سوزی در بازار کفاش‌ها اتفاق افتاده است اما قسمتی که دچار حادثه آتش‌سوزی شد، مربوط به صنف فروشندگان لوازم خانگی و برقی است.

شجری توضیح داد: اگرچه در این بازار در گذشته کفاشان فعالیت داشتند اما در حال حاضر تعداد کفاشان در این بازار به اقلیت رسیده و براساس اطلاعات واصله در این حادثه هیچ مغازه کفاشی دچار حریق نشده است.

آتش‌نشانان که سه دقیقه بعد از اعلام وقوع حریق در محل حاضر شده بودند، بلافاصله عملیات اطفا را آغاز کردند. لالال ملکی سخنگوی سازمان آتش‌نشانی شهرداری تهران با اشاره به اعزام تانکرهای آب و خودروهای تنفسی به محل حادثه بیان کرد: سقف شیشه‌ای محل حادثه در همان لحظات اولیه شکست و حداقل ۳۰ باب مغازه دچار حریق شد. آتش‌نشانان نیز با لحاظ همه ملاحظات ایمنی عملیات اطفا را انجام دادند. نایلم‌بودن برخی مکان‌های عمومی و همچنین برج‌های بلندمرتبه در تهران موضوعی است که هرزگاهی با رخداد حادثه‌ای در سر زبان‌ها می‌افتد و بعد از مدتی به فراموشی سپرده می‌شود. روز دوم ی‌ماه آتش‌سوزی در بازار کل محلاتی دو کشته بر جا گذاشت و همان‌زمان بار دیگر بحث بر سر ضرورت توجه به استانداردهای ایمنی بالا گرفت. سخنگوی آتش‌نشانی تهران همان موقع گفت در پایتخت و اطراف آن از این بازارها به وفور یافت می‌شود.

حادثه دیروز بازار تهران تلفات جانی نداشت و بنا به گفته یحیی صالح‌طبری، سرپرست اورژانس تهران، فقط یک نفر مجروح شد اما سخنگوی سازمان آتش‌نشانی پایتخت به نکته مهمی اشاره کرد و گفت: خوشبختانه این‌ حادثه اول صبح رخ داد وگرنه اگر در وسط روز بود می‌توانست حوادث تلخی را رقم بزند.

۲	۴	۷			
				۳	
					۱
۷		۸	۲		
			۴	۹	
		۴		۵	۶
				۷	۳
	۱		۳	۶	
	۲		۳		
	۹	۶	۷		

				۶	
۸			۸		
۴	۷		۳		
			۱		
	۱		۸	۷	
		۳			
					۹
					۱
		۳		۲	
			۷	۵	
					۴
					۲
					۸

سودوکو سخت ۳۱۵۹

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو ساده ۳۱۵۹

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

۵	۳	۷	۹	۴	۱	۲	۶	۸
۶	۴	۳	۸	۵	۱	۷		
۲	۸	۱	۷	۶	۵		۹	
۴	۲	۵	۳	۷	۶	۱	۸	۹
۳	۶	۸	۱	۹	۲	۴	۵	۷
۱	۹	۶	۸	۳	۳	۷	۲	
۷	۶	۲	۴	۱	۸	۳	۵	
۹	۱	۳	۵	۸	۷	۶	۲	۴
۸	۵	۴	۶	۲	۳	۷	۹	۱

۵	۹	۳	۴	۸	۱	۷	۶	۲
۵	۱	۶	۹	۲	۳	۸	۷	۴
۴	۳	۱	۵	۷	۱	۹	۳	۸
۸	۳	۱	۷	۲	۴	۶	۵	۹
۶	۵	۷	۸	۳	۹	۲	۴	۱
۹	۴	۲	۵	۱	۶	۳	۸	۷
۳	۶	۴	۱	۹	۸	۷	۲	۵
۱	۸	۹	۲	۷	۵	۴	۳	۶
۸	۵	۳	۶	۲	۹	۱	۷	۴

جدول ۴۱۶۲

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷
۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲
۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	۴۷	۴۸
۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵
۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲
۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰	۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹
۱۰۳	۱۰۴	۱۰۵	۱۰۶	۱۰۷	۱۰۸	۱۰۹	۱۱۰	۱۱۱	۱۱۲	۱۱۳	۱۱۴	۱۱۵	۱۱۶	۱۱۷
۱۲۱	۱۲۲	۱۲۳	۱۲۴	۱۲۵	۱۲۶	۱۲۷	۱۲۸	۱۲۹	۱۳۰	۱۳۱	۱۳۲	۱۳۳	۱۳۴	۱۳۵
۱۳۸	۱۳۹	۱۴۰	۱۴۱	۱۴۲	۱۴۳	۱۴۴	۱۴۵	۱۴۶	۱۴۷	۱۴۸	۱۴۹	۱۵۰	۱۵۱	۱۵۲